سنگ بنای اباحه‌گری از کجا گذاشته شد؟

تحول در ارزش‌ها تغییر در پوشش

اشـاره: تحلیلگران جامعه شناسی معتقدند پس از انقلاب اسـلامی روند مدرنیزاسـیون رو به کاهش گذاشـت اما با پایان یافتن جنگ تحمیلی و روی کار آمدن دولت سازندگی، دوباره این مسیر شدت گرفت و نقطـه کانونی این جریـان روی فرهنگ عمومی جامعه و سبک زندگی بود؛ جریانی که امروز بعد از بیسـت و چند سال به عقیده آنها توانسته تا حدودی اثرگذار باشد و این را می‌توان در نوع رفتار، پوشش و عمل اجتماعی آحاد جامعه بویژه ساکنان کلانشهرها مثل تهران مشـاهده کرد. جریانی که ابتدا با جابه‌جایی ارزش‌های مادر در جامعه مادیت را بـه جای معنویت و ثروت را به جای عدالت قرار داد، سنگ بنایی را گذاشت که تک‌تک ارزش‌های جامعه جابه‌جا شود و حتی اشخاصی مثل هاشمی رفسـنجانی که در دهـه ۶۰ تندترین مواضع را در برابر بی‌حجابی داشـتند با بی‌حجابی و بدحجابی فعلی کنار می‌آیند. بررسی این روند می‌تواند موثر و مفید باشد.

■ **روی کار آمدن هاشمی و مانور تجمل‌گرایی**

پس از پایان ۸ سال دفاع مقدس و ارتحال امام خمینی(ره)، موسسه سیاسـتگذاری واشنگتن در ۱۸ خرداد ۶۸ ـ ۴ روز پس از ارتحال حضرت امام- کنفرانسی با عنوان «ایران پس از خمینی» برگزار می‌کند. «بری رابین»، کارشـناس سیاسـتگذاری واشـنگتن می‌گوید: «به نظرم ایران در کوتاه‌مدت مجبور به تدوین برنامه‌ای برای بازسازی خود است که در این صورت با روی کار آمدن رفسنجانی، آنها به دنبال مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی بویژه از جانب غرب خواهند بود.»

همزمان با ساخت پل‌ها، جاده‌ها و سدها برخی تـلاش می‌کردند با ایجـاد یک طبقـه جدید در جامعه فرهنگ‌ها و باورهـای ملت را تغییر دهند؛ رفاه‌طلبی، زندگی اشرافی، افزایش واردات، استفاده از کالاهای لوکس و ایجـاد فرهنگ مصرف که به تبـع آن تولید داخلی و باور ملی «ما می‌توانیم» به چالش کشیده می‌شد. اکبر هاشمی‌رفسنجانی ۶ مرداد ۶۹ از تریبون نماز جمعه تهران به تبیین رفاه مدنظرش می‌پردازد و می‌گوید: «نمی‌شـود مطلق گفت؛ این حرامه و اسـرافه و نمی‌شه مطلق گفت این جایزه و مباحه. باید روی این بحث شـود، باید حکومت الگوی مصرف به مردم بدهد. ما می‌گوییم اشیای لوکس اسـتفاده نشود؛ خب! این یک شعار نوعـی عدالت‌گرایانـه و جلوگیری از اشـرافیت و تجمل و اینهاسـت. گاهی هست که برخی اشیای لوکس به صرف کل جامعه است که استفاده شود؛ باید اینجا چه کار بکنیم؟» از سـوی دیگر جریان معارض انقلاب تمام تلاش خود را می‌کند تا جریان فرهنگی را علیه کشور بشوراند. تحریک نویسندگان، کارگردانان و هنرمندان از جمله این برنامه‌ها بود.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های متعدد به حمله فرهنگی علیه ایران اشاره می‌کنند. ایشان به مناسبت شهادت شهید مطهری میزبان فرهنگیان و معلمان می‌شـوند و می‌فرمایند: «امروز دشمن، بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته اسـت. من به‌عنوان یک آدم فرهنگی، این را عرض می‌کنم، نه به‌عنـوان یک آدم سیاسـی. وقتی به صحنـه نبرد نگاه می‌کنم، صحنه‌ای را می‌بینم که یک طرف آن، شـما ملت ایران که طرفدار اسـلام و نجات مستضعفان و دشمن نظام استکباری دنیا هسـتید، قرار داریـد و طرف دیگر آن، دشـمنان شما، یعنی سردمداران جبهه استکبار و ضداسلام، دنباله‌روهایشـان و اراذلی که در این بین، به‌خاطر منافع شخصی و هواهای نفسانی، دنبال بوق استکبار و خر دجال او راه افتاده‌اند، قرار دارند. الان، کارزاری برپاست؛ شوخی نیسـت. جنگ نظامی، تمام شد. تازه اگر دشـمن- یعنی اسـتکبار جهانی- بتواند، حرفی ندارد که باز هم جنگ نظامی را راه بیندازد، منتها برایش آسان نیست. الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه ذهنی داشـته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسـلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد». «جین شارپ» در همایش «قدرت نبرد بدون خشـونت» در ۲۰ بهمن ۶۸ می‌گوید: «این یک روش مبارزه اسـت؛ این یک جایگزین اسـت برای جنگ و دیگر خشـونت‌ها، این توافق نیست، این مصالحه‌پذیری نیست، این مذاکره نیست؛ من می‌گویم مبارزه بدون خشـونت خـود یک مبارزه مسلحانه است، فقط در این شیوه مبارزه می‌توان از ابزارهای جنگ روانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استفاده کرد». در جشنواره فیلم فجر سال ۶۹، فیلم‌هایی با مضامین و صحنه‌های مبتذل اکران شد و حتی به یک هنرپیشه زن ترک که در کشور لائیک خود به فسـاد و فحشا معروف بود، سیمرغ بلورین اعطا شـد تا سرانجام داد اعتراض روحانیت نیز درآید. آیت‌الله جنتی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه اسـفندماه ۶۹ قم، باب انتقـاد از وزیر وقت ارشـاد را گشـود و گفت: «حرکت خزنده‌ای به نام هنر در بعضی جشنواره‌های مبتذل و مجلات توسط افرادی طاغوتی که منزوی شده بودند، به راه افتاده و کسانی که در رژیم گذشته فعال بودند، امروز دارند در صحنه حاضر می‌شوند. این حرکت با به تمسخر گرفتن و تحقیر خانواده شـهدا، حزب‌الله، بسـیج، پاسـدار و ارزش‌های انقلابی قصـد دارد به انقلاب ضربه بزنـد و هنرمندان متعهد بایـد با آن مقابله کننـد». مانور تجملگرایی در داخل کشـور ایجاد شد و طبقه جدیدی از جامعه شکل گرفت؛ طبقه نواشرافی که رفتارها، پوشش‌ها و نظراتشان قرابت چندانی با انقلاب اسلامی نداشت. رهبر انقلاب از این وضعیت ناراحتند و ۲۲ تیر ۷۱ فریاد می‌زنند: «باید ببینیم آن جامعه اسلامی، چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسـید؟... آن جامعه را پیغمبر سـاخته بود و بعد از چند سـال به آن وضع دچار شـد. این جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت، اینجاست! ما باید آن بیماری را بشناسیم؛ آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم... ۲ عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا... دوم «واتّبعوا الشـهوات»؛ دنبال شهوترانی‌ها رفتن، دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله؛ دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمـع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. اینها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن». مسیری که در دولت هاشمی طی می‌شود چند پیامد مهم دارد که زیرساخت‌هایی را بـرای تهاجم فرهنگ مـدرن و لاابالی غرب فراهم می‌کند. یکـی از این پیامدها جابه‌جایی ارزش‌ها و تبدیل نابهنجاری‌ها به هنجار و جابه‌جایی «معروف» و «منکـر» در جامعه بـود؛ نابهنجاری‌هایی که به واسـطه عدم انطباق با فرهنگ ایرانی- اسـلامی و سنتی ایرانی‌ها از سوی قاطبه جامعه پس زده شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

■ **جابه‌جایی ارزش‌ها و ایجاد طبقه الگو**

برای آنکه این جابه‌جایی ارزشی بهتر در اذهان جا بگیرد بهتر است مقدمه‌ای کوتاه درباره آن بیان شود. هر حکومتی در دنیا باید پاسخگوی ۲ پرسش اساسی باشد. نخسـت پرسش درباره مشروعیت و حقانیت آن حکومـت، بدان معنا که این حکومت حقانیت و مشروعیت خود را از کجا کسب می‌کند و چه مقدار از آن حقانیت و مشـروعیت برخوردار است؟ دوم آنکه این حکومت چه مقدار از کارآمدی و پیشـرفت برخوردار اسـت یعنی قـدرت و توان پیشرفته شدن آن حکومت چقدر است؟

این ۲ سوال از کلیدی‌ترین پرسش‌ها درباره هر حکومت و نظام است. اگر این ۲ سوال را پیش روی نظامی که براسـاس اسلام پایه‌گذاری شده و ادامه حکومت امیرالمومنین است بگذاریم، پاسخ چیست؟ اگرچه درباره مشروعیت نظام اسلامی حرف‌های بسیاری زده می‌شود اما آنچه به‌عنوان نقطه کانونی مشـروعیت مدنظر قرار می‌گیرد، بحث «عدالت» اسـت؛ لذا اگر بخواهیم ببینیم حکومت اسـلامی ما دارای مشـروعیت هسـت یا نه؛ باید ببینیم آن حکومت دارای عدالت است یا نه؟

امیرالمومنیـن زمانـی کـه مردم بـه او هجوم می‌آورند که حکومت را بپذیـرد ۲ حجت می‌آورد یکـی «اجتماع مردم» و دیگری آنکـه «خداوند از خردمنـدان و دانشـمندان تعهد گرفته اسـت در سیری و گرسنگی مردم سکوت نکنید». این جمله پایه ورود ایشـان به عرصه حکومت اسـت و این را پایه عدالت و پیشـرفت قرار می‌دهند. اما در پاسخ بـه کارآمدی و پیشـرفت هم موضـوع «عدالت» شـاخص قرار می‌گیرد؛ نتیجه آن می‌شـود که هر حکومتی همانقدر دینی، اسـلامی و حق است که عدالت داشته باشد. هر میزان که حکومت عادلانه‌تر است، پیشرفته، کارآمد و مشروع‌تر است. این بدان معناسـت که حکومتی هرچقدر در شـاخص‌های تولید ناخالص ملی، توسـعه اقتصادی و... عددهای بزرگی داشته باشـد ولی از نظر شاخصه عدالت در حد پایینی قرار بگیرد به همان میزان غیرپیشرفته و غیرمشـروع اسـت. اما جنبه دوم اهمیت عدالت که به بحث ما بیشـتر کمک می‌کند این است که ارزش «عدالت» یک «ارزش مادر و فرادستی» است یعنی همه ارزش‌ها ذیل این ارزش تعریف می‌شود. یعنی در سلسله ارزش‌هایی که یک جامعه ممکن اسـت داشته باشد همه ارزش‌ها به موازات یکدیگر نیستند؛ در سلسله ارزش‌ها ارزش‌های اصلی و برتر هست؛ که عدالت یکی از آنهاست. اهمیت ارزش‌های مادر آن است که حکومت‌ها به ازای مقداری که در تحقق ارزش مادر توفیق داشـته باشند؛ می‌توانند در سـایر ارزش‌ها هم رشـد کنند و به میزانی که در ارزش‌های پایه دچار خسـران و زیان شـوند به همان اندازه سلسـله ارزشی جامعه تحت حکومت تضعیف می‌شود. در واقع اگر شخص به ارزش‌های دینی دیگر هم معتقد باشد بسیاری از آن ارزش‌ها در خود آن ارزش‌ها محدود نمی‌شـوند و باید دید در ارزش فرادستی وضعیت چگونه است؟ به‌عنوان مثال یکی از این ارزش‌ها که دغدغه جامعه اسلامی ایران اسـت؛ امر حجاب، عفت، حیا و حریم اخلاقی جامعه است اما برای بررسی مساله حجاب و پوشش، بخشی از این مساله به حجاب عودت می‌شود یعنی با مکانیسـم‌هایی از نظر تفکر تربیتی و از نظر کار فرهنگی قابل مدیریت است اما بخش وسیعی از آن در نظم گفتمانی و چگونگی وضعیت ارزش‌های برتر و مادر و تحقق آنها معنی می‌شود. این نقطه شروع همان جریانی است که در دولت هاشمی کاشته شد؛ در دولت خاتمی رشد پیدا کرد و امروز نهادینه شده است. دولت هاشمی بزرگ‌ترین آسیبش جابه‌جایی ارزش‌هـای مادر در جامعه بـود. وقتی «ارزش‌های مادی» به جای «ارزش‌های معنوی» قرار می‌گیرد، ارزش مادی مثل ثروت به جای عدالت می‌نشیند آن وقت طبقه ارزشمند جامعه، طبقه ثروتمند جامعه خواهد شـد و جامعه از این پس از این طبقه تقلید و تأسـی می‌کند و این طبقه به طبقه «مُدساز» در جامعه تبدیل می‌شود. چند سال پیش‌تر از دولت هاشـمی رزمنده بودن، مادر شـهید بودن و اینها ارزشـمند بود اما وقتی ساختارهای ارزشی جامعه تغییر کرد کسانی ارزشمند شدند که ثروت بیشتری داشـتند و کسانی هم که می‌خواستند قابل احترام باشـند خود را بـه آنها نزدیـک می‌کردند و حتی Life Style و سبک زندگی و نوع پوشش اکثریت جامعه متاثر از نوع زندگی و پوشش آن طبقه مسلط می‌شود. زمانی که اینگونه شود آن‌وقت دغدغه این افراد دغدغه جامعه می‌شود؛ هرکسی بخواهد بگوید من مهم هستم، من ارزشمند هستم باید یا آن ثروتی که می‌خواهد را به دست بیاورد-که موقعیتش برای تمام افراد جامعه وجود نـدارد- یا خود را ظاهرا به آنها متلبـس کند. بنابراین یک خانـم یا آقا وقتی می‌خواهد ارزشمند باشد، یا باید پولش را داشته باشد یا خودش را شبیه این طبقه کند. آن وقت می‌گوید مانتو و روسـری به این شکل و اندازه قیمتش چه قدر می‌شود، برآورد می‌کند که ما ماشین رولزرویس و خانه ویلایی و شـمال شهر که نمی‌توانیم داشته باشـیم پس ما خود را شبیه این طبقه ارزشمند در جامعه می‌کنیم و وقتی در خیابان راه می‌رویم اینها را ننوشته است که پدرمان کیست، با آن پوشش به من احترام گذاشته می‌شود چون فکر می‌کنند من از آن طبقه هستم. این جریان وقتی پررنگ‌تر می‌شود که با تهاجم رسـانه‌ای غرب همراه است و علاوه بر اینکه ارزش‌های بنیادین جامعه جابه‌جا شده است، الگوهای جدیدی هم ارائه می‌شود و این سلبریتی‌ها هستند که مرجعیت جامعه را به دست می‌گیرند.

■ **رفتارهایی که امروز جامعه ما پس می‌زند**

امروز ۲۵ سال از این روند طی شده است و رفتارها و نابهنجاری‌هایی که امروز در حال بروز است، دیگر طبقه مرفه هم برایش عجیب اسـت به گونه‌ای که مقلدان این جریان برای آنکه بیشتر مورد توجه قرار گیرند، حتـی در نوع رفتارهای اجتماعی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که از مراجع خود نیز جلوتر رفته‌اند بـه گونه‌ای که حتی جامعه هم آنها را پس می‌زند. جریانی که دیگر حتی آن طبقه مرفه را هم الگوی خـود قرار نمی‌دهد بلکه الگوهای خود را از فیلم‌ها، عروسـک‌ها و سـتاره‌های خارجی می‌گیرد. فقط کافی است چند ساعتی را در سطح شهر بچرخید تا دخترانی با قیافه‌های عجیب و آرایش‌های نامتعارف ببینید. دخترانی که اغلب به صورت اغراق‌آمیزی با انـواع عمل‌های زیبایی در صورت خود تغییر ایجاد کرده‌اند. این گروه با اینکه تعدادشان کم است و در منطقه‌های خاصی از شهر بیشتر دیده می‌شوند اما به دلیل چهره متفاوت و آرایش‌های خاص‌شان بسیار جلب توجه می‌کنند. اگر از آنها بپرسید چرا خودشان را به این شکل و شمایل درآورده‌اند، می‌گویند اینطور زیباتریـم و قابل احترام‌تر. میل به زیبایی یک میل درونی و مشترک بین همه انسان‌هاست اما همیشه این خانم‌ها هسـتند که تمایل خود را برای گرایش به این سمت بیشتر نشـان می‌دهند. بیشتر مردم هم این بـاور را دارند که خانم‌ها نسـبت به مردها حساسیت بیشـتری روی ظاهر خود دارند. «جینا لمبروزو»، روانشـناس ایتالیایی می‌گوید: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسـی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسیله حسـن قیافه، زیبایی اندام، مـوزون بودن حرکات، خوش‌آهنگـی صدا و طرز صحبـت کردن، مطبوع طبع واقع شده، احساسات را تحریک کرده و دیگران را مجذوب کند». به‌عنوان مثال در گذشته اگر دختر جوانی صورت خود را اصلاح نمی‌کرد زشت به نظر نمی‌رسید و پسرها همان دختر را برای ازدواج انتخاب می‌کردند اما متأسفانه در دنیای امروز استانداردهایی برای زیبایی تعریف شده است. اگر شکل بینی، گونه، لب‌هـا، انـدام و نوع آرایش یک زن با اسـتانداردها مطابقت داشته باشـد آن زن زیباست. تا جایی که دیگر حتی دختران ۱۳-۱۲ سـاله هم بدون آرایش از خانه خارج نمی‌شوند. شاید جالب باشد که بدانید نظر مجله فرانسوی اکو مد درباره وضعیت آرایش در ایران چیست. این مجله معتقد است: «صورت‌هایی که دیگر واقعی و دلنشـین نیسـتند. زنـان ایرانی چهره خود را پشت نقاب سنگینی از آرایش و عمل زیبایی مخفی می‌کنند. جای تعجب دارد که برخی زنان به‌رغم آموزه‌های دینی خود شبیه ستاره‌های فیلم‌هـای پورنو آمریکایی آرایـش می‌کنند. ما در خیابان‌های اروپا بسیار کم با چنین مواردی روبه‌رو می‌شـویم. در ایران صورت زنان بیش از آنکه حس خوبی القا کند حس شـهوت را برانگیخته می‌کند. خرید و فروش کتاب در مقابل خرید و فروش لوازم آرایش بسـیار کم و ناچیز جلوه می‌کنـد. در ایران مقدار خرید و فروش یک سـال کتاب برابر اسـت بـا میزان خرید و فروش یـک روز یا نیمه‌ای از روز لـوازم آرایش». این موضوع رقابتی را در دختران به وجود آورده که برای زیباتر به نظر رسـیدن تلاش بیشتری کنند تا جایی که حتی شکل ظاهری‌شان به طور کلی تغییر کرده و همه جای صورتشان تحت عمل‌های زیبایی قرار بگیرد. «جامعه‌ای عروسکی» که چهره‌هایش کمتر حالت طبیعی دارد و بیشتر با تغییرات شاذ تلاش شده جلب توجه کند. بنیانگذار و مؤسـس انجمن بیوتکنولوژی، ایمنی زیسـتی و انجمن پدافند غیرعامل افزایش دختران هم‌شـکل و عروسـکی را به‌عنوان یـک نگرانی جدی مطرح می‌کند. به باور وی، احتمال تهدیدات زیستی ناشی از نفوذ دشـمنان در این حیطـه وجود دارد. کرمی در این‌باره می‌گوید: امروز فاجعه‌ای کشور و پایتخت را تهدید می‌کند که افزایش دختران هم‌شکل و به اصطلاح دختران عروسکی است که مثل هم آرایش می‌کنند، جراحی‌های زیبایی انجام می‌دهند و حتی در نوع لباس پوشـیدن نیز از هم تقلید می‌کنند و کاملاً شبیه هم هسـتند. این استاد دانشگاه با ابراز نگرانی از تأثیرپذیری فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی کشـور و جوانان ما از رسـانه‌های غربی، می‌افزاید: پسـران و دختران نسـل جوان به جـای پذیرش الگوهای داخلی که بسـیار غنی از فرهنگ ایرانی- اسـلامی اسـت در موارد متعدد بویـژه در عرصه زیبایی‌های ظاهری از الگوهای غربی پیروی می‌کنند که تحول نگران‌کننده‌ای بین جوانان کشور به شمار می‌آید. این شتاب در تغییرات ظاهری به حدی است که افراد به جنگ با خود می‌روند. دکتر «کریستین نورتراپ» به این افراد اینطور پاسـخ می‌دهد: «اگر قرار باشد مرتب با معیارهای پیشنهادشده از طرف دسـتگاه ارتباط جمعی، خـود را مورد قضاوت قرار دهیم، تمام مدت با جسـم‌مان در جنگ و سـتیز خواهیـم بود». همچنیـن دکتر «ناتالـی راجرز»، نویسنده کانادایی در کتاب «زن شاداب» می‌گوید: «اینکـه اجتماع ما برای ظاهـر خوب و محبوبیت چنیـن ارزش بالایی قایل اسـت یـک نابهنجاری اسـت، چرا که هیچ یک از این ۲، معیار ارزش‌های واقعی نیستند. انسان‌های زشت و فاقد جذابیت هم می‌توانند محبوبیت به دست آورند». اما نکته قابل تامل آنجاسـت که به دلیل نارسایی فرم‌های غربی برای ذائقه ایرانی این چهره‌ها در جامعه تنها به همان خاصیت ابزاری و عروسکی دیده می‌شوند و هیچ گاه به‌عنوان یک گزینه جدی در اذهان برای حتی ازدواج جدی گرفته نمی‌شوند.

■ **نتایج متاخر از جابه‌جایی در ارزش‌های مادر**

شـاید ابتدای امر دولتمردان و کارگزاران، خود نیـز تصور نمی‌کردند با جابه‌جایـی در ارزش مادر چه سلسـله ارزش‌هایی را جابه‌جـا خواهند کرد و چه تغییرات اجتماعی عمیقی را به وجود خواهند آورد اما زدن ریشـه‌ای‌ترین ارزش‌ها در جامعه در ارزش‌هـای درجه ۲ و درجـه ۳ خود را اینگونه در جامعه نشان می‌دهد.

اشاره

هاشمی در دهه ۶۰:

مثل اینکه اینها یک مقدار احتیاج به خشونت دارند

هاشـمی روز ۱۲ اردیبهشـت ۶۵، بـا اختصـاص بخشـی از خطبه نمـاز جمعه به مسـاله خانواده و حجاب و عفاف، به انتقاد از رواج الگوهای غربی بین خانواده‌ها پرداخته و در یک رویکرد عجیب و غیرقابل قبول درباره بدحجاب‌هـا چنین می‌گوید: «ما الان افرادی را می‌بینیم و هـر قدر نصیحت می‌کنیم و از طریـق تقوا می‌خواهیم به این محیط سـالم برسانیم، هنوز یک مقاومت‌های منفی هست و خانم‌هایی متاسفانه پس از ۷ سال از انقلاب هنوز به این راضی‌اند که مقداری از موی‌شان بیرون باشد. تا به حال با اینطور افراد خیلی با نصیحت و موعظه برخورد کرده‌ایم و هنوز هم بعضی از شهرهای بزرگ این بلیّه را دارند و در بعضی مغازه‌ها اینگونه مسائل ترویج می‌شود و در بعضی ادارات هنوز خوب مراعات نمی‌شود و اینها خطرناک اسـت. فکر می‌کنم پس از ۷ سال تحمل ما هم تمام بشود. مردم حزب‌الله چنـد بار طغیـان و دیدید کـه در خیابان‌ها ریختنـد و از همین تریبون نماز جمعه، وزیر کشور و دیگران خواهش کردند و به آنها وعده دادیم که اینها خودشـان آدم می‌شـوند و باز می‌بینیم که مثل اینکه اینها یک مقدار احتیاج به خشونت دارند».

هاشـمی با خبر دادن از طرح شورایعالی قضایی برای مبارزه با بدحجابی، گفت: «البته شورایعالی قضایی یک پیش‌نویس لایحه‌ای را تهیه کرده و ما قبلا به حزب‌الله وعده داده بودیم که عمل می‌کنیم و مقدماتش را فراهم کرده‌اند و همین روزها به مجلس می‌آید. این لایحه در نظر گرفته اسـت که اردوگاه‌هایی در مناطقـی در نظر بگیرند برای بازسـازی خانم‌ها و آقایانی که دچار مرحله‌ای از فساد اخلاق هستند».

هاشـمی در تشـریح و دفاع از این لایحه می‌گوید: «فکر شـده که اینها نوعـا آدم‌های مرفهی هسـتند کـه درد مشـقت کار و این حرف‌ها را نچشیده‌اند و با پول‌های بادآورده‌ای که یا شوهرشان دزدیده یا خودشان می‌دزدند یا به ارث رسـیده یا از چیزهـای دیگر، دیگر اینجوری بـار آمده‌اند. و فکر شـده که در هر منطقه‌ای یک اردوگاه برای اینها درست کنند و در آن اردوگاه وسـایل کار بگذارند، معلمین اخلاق نیز در آنجا بگذارند».

■ **احکام دادگاه!**

«یعنی همین جوری نیسـت که از خیابان بگیرنـد و به آنجا ببرند. کسـانی که اینجوری می‌کنند تحویل دادگاه‌های فوری می‌دهند و دادگاه‌ها اینها را محاکمه می‌کنند، اگر دیدند مداومـت بـوده، اینهـا را بـه اردوگاه تحویل می‌دهند. تعیین هم می‌کنند ۳ ماه، ۲ماه، ۵ماه، یک سال، ۲ هفته آنجا بمانند، درس بخوانند و کار هم بکنند. خرج‌شـان را هم باید خودشان در آنجـا بدهند، چون اینها نوعا از قشـر مرفه هسـتند؛ یا آنجا کار بکنند و خرج خودشان را بدهند یا اینکه در همانجا نخواستند کار بکنند - چون شـورای نگهبان که اجباری می‌گوید اینها باید کار بکنند، آزادی است- بر این اساس آنها بروند آنجا بنشـینند و خرج‌شـان را هم شوهرانشان باید بدهند، دولت خرجی به اینها نخواهد داد».

هاشـمی همچنیـن در شـرح همه‌جانبه بودن این طرح می‌گوید: «ضمنا کسانی که در مغازه‌ها و دستفروشی‌ها اینها را تشویق می‌کنند که اینجور باشید و کسانی که اینجور لباس‌ها را وارد می‌کنند و کسـانی که به نحوی ویدئو و نـوار وارد می‌کنند و می‌آورند؛ همه توی این مجموعه هستند. ان‌شاءالله وقتی این قانون به مجلس آمد و بحث‌هایش را شما نیز از تریبون مجلس خواهید شنید، آن موقع مقصر خودشان هستند».

رفسنجانی در پایان خطبه نماز جمعه خود راجع به دلایل سیاسـی برخـی بدحجابی‌ها گفـت: «ببینیـد! من بارهـا در ایـن بحثم گفتـم که به اینها اهانـت مرگ بر بی‌حجاب و اینها نکنید، بگذاریـد اینها کم‌کم بفهمند امـا نمی‌فهمند. بعضی‌های‌شـان عناد دارند، بعضی‌های‌شـان اصولا ضدانقلاب هسـتند. یعنی چون با انقلاب مخالف هستند اینجوری می‌کنند که بگویند ما با انقلاب نیستیم. به هر حال مطمئن باشید از این به بعد ان‌شاءالله با آمدن قانون که حرکت قانونی باشد، دیگر در جمهوری اسلامی ما تحمل نمی‌کنیم که برای تضعیف خانواده و تضعیف رابطه زن و شوهر و تضعیف رابطـه بچه و مادر، تضعیف خواهر و بـرادر و به هم زدن ایـن نهاد مقدس، افراد لاابالی و هوس‌باز بتوانند مصلحت این جامعه را به بازی بگیرند».